

شُغْلَم شَلْغَم کاری است!

در این شمار می‌خوانید:

شغلم شلغم کاری است!
اگر تیزهوشند چرا نگران باشند؟
سند تحول نظام دوری
ردپای استکبار
نقش بازی در یادگیری





بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛
چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس، روی
ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل
بدهید. ۱۳۷۲/۰۸/۱۲

سیاست‌زدگی و سیاست‌بازی به‌هیچ‌وجه مورد تأیید
نیست اما سیاست‌گری و برخوردار شدن از قدرت فهم
و تحلیل سیاسی، نیاز مبرم دانشجویان و دانشگاه‌هاست.
۱۳۸۵/۰۷/۲۵

مظهر شهامت و سرعت عمل ملت ایران، دانشجویان
بودند. آن هم دانشجویانی که پیرو خط امام بودند؛ نه
دانشجوی وابسته به فلان حزب سیاسی یا فلان تشکیلات
گوناگون و بی‌ایمان؛ نه. دانشجویی که خط امام را قبول
داشت و به آن مؤمن بود. ۱۳۸۶/۰۸/۰۹

من همه‌ی دانشجویان را به «دانشجویی» به معنای واقعی
کلمه - یعنی دنبال علم رفتن - و به فعالیت‌های متناسب
با دانشجویی دعوت می‌کنم؛ چه فعالیت‌های اجتماعی،
چه فعالیت‌های سیاسی. ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

شناسنامه نشریه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی

سردبیر: محمد صالحی اول

مدیر اجرایی: الهه طهمزی

طراح جلد: ولی امیرطاهری

صفحه آرا: ولی امیرطاهری

ویراستار: الهه طهمزی

روابط عمومی: سارا عباسی

گوینده: زینب ابراهیمی، فاطمه کلاتتری و نگین شیخی

دبیر واحد تعلیم و تربیت: شیوا اسمعیلی

دبیر واحد سیاسی: رقیه شاکر

دبیر واحد فرهنگی-اجتماعی: زهرا متقی

دبیر واحد رسانه: راضیه شاکر

هیئت تحریریه: علی ظهیری، مریم ناصرپور، زینب ابراهیمی، محدثه فرزانه، سارینا عزیزی،

ولی امیرطاهری، رضا ایمانی، رقیه شاکر، هادی آقاپور، آیلار عباسپور، الهه یاری، راضیه

شاکر، شیوا اسمعیلی، مبین اسمعیلی، عرفان رضایی

فهرست مطالب:

- ۳ سر مقاله
- ۴ اگر تیزهوشند چرا نگران باشند؟
- ۵ یک قاچ از برنامه درسی
- ۶ نقش بازی در یادگیری
- ۸ محیط زیست یک ارزش برای دانش آموزان
- ۹ سند تحول نظام دوری
- ۱۰ روایتی از زندگی معلمی شهید دکتر مجید شهریار
- ۱۲ از عینک مقایسه تا ترازوی پیشرفت
- ۱۴ مهمان ناخوانده
- ۱۵ رد پای استکبار
- ۱۷ هفت توصیه مهم رهبر به دانشجویان
- ۱۸ پژوهنده‌ی نور
- ۱۹ خبر آمد، خبری در راه است
- ۲۰ هشتگ سواد رسانه
- ۲۱ دختری بلندقامت به نام یلدا
- تودیع و معارفه مسئولین بسیج دانشجویی
- ۲۲ دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی
- ۲۳ پنجمین رویداد ملی محیا و حضور گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی در آن
- ۲۴ گزارش کارگاه طرح درس نویسی

سرمقاله

شُغْلَم شَلْغَم کاری است

شَلْغَم در ایران یک محصول کم‌ارزش و بی‌خاصیت است اما قصه «عالیجناب شَلْغَم» در بوستان ما کمی متفاوت است. شَلْغَم داستان ما خواص و فواید زیادی دارد. شاید مهمترین و جالب‌انگیزناک‌ترین فایده شَلْغَم جلوگیری از رشد بقیه محصولات کشاورزی است که به صورت انحصاری عمل می‌کند. صاحبان بوستان هم همین را می‌خواهند. بوستان ما صاحبانی دارد که به شَلْغَم کاری علاقه زیادی دارند و هر وقت توصیه به کاشت محصولات دیگر می‌کنیم در جواب می‌گویند «شُغْلَم، شَلْغَم کاری است». در مواقعی دیده می‌شود که محصول باارزشی خودبه‌خود شروع به روپیدن می‌کند که توسط صاحبان بوستان معدوم می‌شود. در ایام اخیر در بوستان ما محصول جدید دیگری را نیز شروع به کاشتن کردند به اسم «ژنرال سیب‌زمینی»!

در بالادست بوستان، ما بوستان دیگری نیز داریم که کلیه آب‌های کشاورزی بوستان‌های پایینی از آن تامین می‌شود. در کنار بوستان‌های ما یک بوستان سفیدی وجود دارد که به کاخ سفید معروف است. این بوستان متعلق به ما نبوده و نیست. از قدیم این دو بوستان ما با بوستان سفید ارتباط داشتند که اخیرا ارتباط خود را بیشتر کرده‌اند. بوستان سفید حیات صاحبان بوستان ما را تضمین می‌کنند؛ چرا که آب‌های آشامیدنی از بوستان سفید تامین می‌شود. به همین خاطر نقطه امید صاحبان بوستان‌های ما، بوستان سفید است. به جای اینکه صاحبان بوستان ما به رویش و ریش محصولات باارزش اهمیت بدهند، چشم به بوستان سفید و منابع آن دوخته‌اند. بوستان سفید شبکه‌ی گسترده‌ای را ایجاد کرده است و صاحبان بوستان ما فکر می‌کنند باید عضوی از این شبکه باشند تا کسی تهدیدشان نکند. اکنون در برهه‌ی حساسی قرار گرفته‌ایم و اخیرا یکی از صاحبان بوستان ما گفتند که صاحب بوستان سفید را به بوستان خود بیاوریم. اما اجازه چنین اتفاقی داده نخواهد شد. شَلْغَم‌ها و سیب‌زمینی‌ها اخیرا احساس مسئولیت کرده و دست و پا در آورده‌اند و به دیدار صاحبان بوستان سفید رفته‌اند. این بود حکایت بوستان‌های ما.

#شانزده_آذر

#بوستان_علامه

#بوستان_دانشسرا

اگر تیزهوشند چرا نگران باشند؟

علی ظهیری دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس علامه امینی تبریز



انجام دادم، شک نداشتم که اگر آن‌ها هم آزمون می‌دادند، حداقل

۴۰ درصدشان نمی‌توانستند در تیزهوشان بمانند.

به این توجیهات توجه کنید؛ رئیس سازمان ملی مدارس استعدادهای درخشان گفته که ما برای تربیت این دانش‌آموزان برنامه‌ی ۶ ساله داریم و وقتی که ترکیب این‌ها عوض می‌شود، نمی‌توانیم این برنامه را به‌خوبی اجرا کنیم. یا به نقل از برخی اولیای این دانش‌آموزان گفته‌اند که اگر می‌خواهید برای ورود نهمی‌های سمپادی به دهم آزمون برگزار کنید، باید این را ۳ سال پیش به آن‌ها می‌گفتید تا با فرض وجود این آزمون، نوع درس خواندن‌شان و آمادگی‌شان بهتر شود. این استدلال‌ها را جز با صفت «مضحک» نمی‌توان توصیف کرد. بدیهی‌ست که دانش‌آموز واقعاً تیزهوش، نگرانی برای برگزاری آزمون ندارد.

البته از رئیس سمپاد یا اولیای این دانش‌آموزان جز این نمی‌شود انتظار داشت و تصمیم آنان کاملاً به نفع دانش‌آموزان سمپادی است. ولی دانش‌آموزان عادی چه؟ عدالت آموزشی و فرصت برابر چه؟ این با کدام نظریه‌ی عدالت همخوانی دارد که مدارس سمپاد مملکت ۸۰ درصد دانش‌آموزانش از سه دهک بالای جامعه باشد و سهم سه دهک اول از این مدارس فقط ۵ درصد باشد؟ یعنی شما قائل به طبقاتی بودن استعداد هستید؟!

انتظار کنشگری فعال و عدالت‌خواهی از جریان دانشجویی و معلمان آزاده‌ای است که در سنگر تعلیم و تربیت تلاش می‌کنند و برایشان مستضعفین جامعه در اولویت قرار دارد. یا **أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا**

قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...



سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

دیشب به‌طور اتفاقی کانال مدارس سمپاد تهران در پیام‌رسان بله را نگاهی می‌انداختم که پیام آخر کانال توجهم را جلب کرد:

«با امضای رئیس جمهور محترم، مصوبه‌ی مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص سمپاد ابلاغ شد که در آن تصریح شده که آزمون ششم به هفتم برای پذیرش در یک دوره‌ی شش ساله می‌باشد. با این حساب، دیگر دانش‌آموزان پایه‌ی نهم سمپاد نگرانی جدی برای پذیرش در پایه‌ی دهم نخواهند داشت و رعایت حد نصاب نمرات پایان ترم پایه‌ی هشتم و نهم کفایت خواهد کرد».

به خاطر دارم که سال ۹۴ در مدرسه‌ی نمونه دولتی، دانش‌آموز پایه‌ی نهم بودم و آن زمان فضای رقابتی جدی برای قبولی در آزمون تیزهوشان نهم به دهم بین ما وجود داشت. درست هم‌جوار ما مدرسه‌ی تیزهوشان راهنمایی قرار داشت و بعضی از معلمین ما مشترک بودند. معلمین بارها به ما گفته بودند که بچه‌های مدرسه‌ی بغلی خیلی هم باهوش نیستند و اگر شما خوب تلاش کنید در این آزمون می‌توانید به قبولی در تیزهوشان برسید. تلاش امیدوارانه‌ی ما ادامه داشت تا این که یک خبر همه را شوکه کرد. خبر این بود که قرار است نهمی‌های تیزهوشان آزمون ندهند و با شرط معدل به پایه‌ی دهم در مدرسه‌ی تیزهوشان خواهند رفت. این خبر به این معنی بود که ظرفیت آزمون تیزهوشان برای ما که سمپادی نبودیم، تقریباً به یک‌دهم کاهش یافت. اعتراض و بیانیه‌نویسی هم فایده‌ای نکرد و زمین بازی طراحی شد که شدیداً ناعادلانه بود. نتایج آزمون آمد و متأسفانه به جرگه‌ی تیزهوش‌ها پیوستم. البته بعد شروع سال تحصیلی متوجه شدم که به قول معلم‌های پارسال‌مان، اکثراً خیلی هم تیزهوش نیستند و فقط مقداری بچه مایه‌دار تشریف دارند و سال ششم چند کلاس اضافی در مدارس غیردولتی‌شان دیده‌اند. بر خلاف ما که دولتی خوانده بودیم و فرق سمپاد و نمونه دولتی را هم نمی‌فهمیدیم. با برآورد تقریبی که

یک قاچ از برنامه‌ی درسی

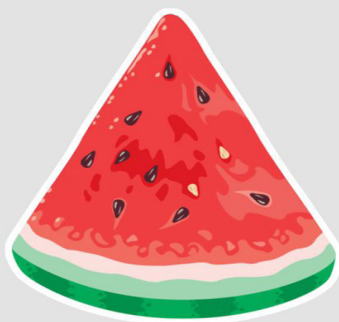
شیوا اسمعیل دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، پردیس فاطمه الزهراي تبریز

دو نکته در این جا قابل اهمیت است:

- ۱- برنامه‌ی درسی تنها یک واقعه نیست، بلکه مجموعه‌ای از برنامه‌ها و تدابیر در کنار هم، شکل دهنده‌ی برنامه‌ریزی هستند.
- ۲- برنامه‌ی درسی باید بنا به ضرورت و اقتضا، با فعالیت برنامه‌ریزی هماهنگ باشد. هر چند این برنامه‌ریزی به معنای طراحی صفر تا صد و غیرمنعطف نیست.
- ۳- برنامه‌ی درسی با نتایج یادگیری سروکار دارد. در صورتی که این نتایج گاهی مجزا از هدف‌ها هستند، پس لزوم ارزشیابی اهمیت پیدا می‌کند.
- ۴- باید ماهیت برنامه‌ی درسی و برنامه‌ریز مشخص باشد، چرا که آن اتفاق آموزشی و تربیتی ریشه در چهارچوب ارزشی و خاستگاه وی داشته است.

عناصر برنامه‌ی درسی

عناصر برنامه‌ی درسی سه قسمت است. به قسمت اول الزامی یا تجویزی گفته می‌شود که به صورت مشترک برای همه‌ی پایه‌ها، مقطع‌ها و رشته‌ها بوده و برای دستیابی به هویت مشترک بوده است. این عنصر برنامه‌ی درسی، تک‌وضعیتی است و همه باید یاد بگیرند. قسمت دوم به گونه‌ای است که فرد باید در طول سال تحصیلی، اطلاعات بیشتری را دریافت کند. این عنصر انتخابی یا نیمه‌تجویزی نامیده شده است. قسمت سوم اختیاری یا غیرتجویزی است. این عنصر، تربیت موقعیت‌محور را مورد توجه قرار داده است و بر اساس موقعیت زمانی، مکانی، انسانی و اقلیمی تعیین می‌شود.



چهارگانه‌ی آپ

اگر نظام مسائل آموزش و پرورش را یک چهارگانه در نظر بگیریم، معلم، برنامه‌ی درسی، مدیریت و اقتصاد را شامل می‌شود. منظور از معلم، بحث‌های مربوط به جذب، نگهداشت، ارتقاء، نقش اجتماعی و هویت معلمی و منظور از برنامه‌ی درسی هر آن چیزی از محتوا است که قرار است مخاطب در فرایند یادگیری آموزش ببیند. این ابعاد چهارگانه نسبت به هم تأثیر و تأثر دارند؛ یعنی هم بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و هم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. تفکیک آن‌ها نیز فقط برای شناخت مسائل است.

برنامه‌ی درسی و تعریف‌های آن

در مورد برنامه‌ی درسی تعاریف متفاوتی وجود دارد که همه‌ی آن‌ها نشأت گرفته از خاستگاه ارزشی تعریف‌کننده هستند.

- ۱- مجموعه‌ای از تصمیمات از قبل گرفته شده و مسیری شناخته شده که یادگیرندگان باید بر اساس تشخیص برنامه‌ریز طی کنند.
- ۲- درک مهم بودن تجربه‌ی فراگیران و رد این که برای مخاطب و فعالیت‌هایش، فردی تصمیم گرفته و یا هدف‌گذاری کرده باشد. این تعریف حضور موقعیت‌محور را لازم و ضروری دانسته است.
- ۳- مجموعه‌ای از وقایع پیش‌بینی شده برای دستیابی به نتایج آموزشی و تربیتی برای یک دانش‌آموز یا بیشتر.
- ۴- برنامه‌ی درسی به مثابه‌ی برنامه‌ی مطالعاتی. از دیرباز و به‌طور سنتی به مثابه‌ی مجموعه دروسی در نظر گرفته شده که در مدارس یا دیگر نهادهای تربیتی ارائه می‌شده و یادگیرندگان مکلف به یادگیری آن‌ها بوده‌اند. این معنا که تا به امروز نیز ادامه‌ی حیات می‌دهد، رایج‌ترین معنا از برنامه‌ی درسی است.

۵- برنامه‌ی درسی به مثابه‌ی تجربه‌ی تربیتی. استفاده از اصطلاح برنامه‌ی درسی به مثابه‌ی تجربه را می‌توان در تعاریف متعددی که صاحب‌نظران مختلف از برنامه‌ی درسی ارائه داده‌اند، سراغ گرفت. شاید بتوان این تعاریف را در دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد. در یک گروه، برنامه‌ی درسی به مثابه‌ی تجاربی در نظر گرفته می‌شود که دانش‌آموزان تحت هدایت مدرسه یا نهاد تربیتی به دست می‌آورند. در گروه دوم برنامه‌ی درسی به مثابه‌ی تجارب زیسته‌ای تعریف می‌شود که یادگیرنده در طول مسیر زندگی در جهت رشد فردی و اجتماعی کسب می‌کند.

نقش بازی در یادگیری

آیه یاری دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا تهریز



یکی از روش‌های جدید و نوین آموزش، استفاده از بازی‌های آموزشی در امر تدریس می‌باشد که در این روش همه‌ی دانش‌آموزان با هر فرهنگ، سطح هوش و تفاوت فردی به صورت مستقیم و با علاقه و انگیزه به انجام آن می‌پردازند. در انجام بازی می‌توان مطالب درسی و آموزشی را به صورت غیرمستقیم و عملی به دانش‌آموزان آموخت و این یادگیری نیز عمیق‌تر و پایدارتر می‌باشد؛ زیرا دانش‌آموزان با علاقه درگیر یادگیری می‌شوند.

بازی واژه‌ای است که به علت استفاده‌ی سهل‌انگارانه، اغلب اهمیت واقعی آن نادیده گرفته می‌شود. بازی یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری کودکان محسوب می‌شود. کودک از طریق بازی، نه تنها لذت می‌برد بلکه احساسات و عقایدش را به راحتی بروز می‌دهد و زندگی کردن را می‌آموزد. بازی در دوره‌ی پیش‌دبستانی و ابتدایی برای رشد همه‌جانبه‌ی کودک ضروری می‌باشد.

به نظر پیازه کودکان در جریان رشد به سه نوع بازی مهارتی، نمادین و با قاعده اقدام می‌کنند و به تدریج برای رعایت قوانین اجتماعی آماده می‌شوند. مشاور از طریق مشاهده‌ی کودک در حین بازی، می‌تواند رفتار واقعی او را بشناسد و سپس برای رفع مشکلاتش اقدام کند و در موارد ضروری با والدین کودک برای تغییر رفتارهای نامناسب کودک گفت‌وگو کرده و از آن‌ها کمک بگیرد.

از دیرباز بیشتر مردم چنین می‌پنداشتند که بازی، کار بیهوده و بی‌ارزشی است؛ ولی امروزه می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین نیازهای کودکان، بازی است. این نیاز در حیطه‌ی تقویت و فراگیری همدردی و همکاری‌های اجتماعی، اعتماد به نفس، هوش، خلاقیت و همچنین از میان بردن عقده‌های دوره‌ی کودکی و کسب توان در رسیدن به کارایی بیشتر، نمود بهتری می‌یابد.

در یادگیری فعال، عمق یادگیری بیشتر می‌شود. یکی از روش‌های یادگیری فعال استفاده از بازی است. ایجاد بازخورد در حین بازی باعث افزایش لذت و حس مسئولیت در یادگیرندگان شده و تمایل آن‌ها را برای یادگیری موارد مشکل‌تر، بیشتر می‌کند.

استفاده از بازی‌های آموزشی موجب ارتقاء یادگیری و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود. مزیت و اهمیت دیگر بازی‌های آموزشی، رقابت دوستانه، شور و شوق و افزایش نوآوری در کلاس درس، تقویت اطلاعات، یادگیری تیمی، آموزش فعال و همکاری متقابل، ایجاد

فضای رقابتی، چالش برانگیز بودن فضای درس، تسهیل تعامل میان دانش‌آموزان در یک محیط دوستانه و سرگرم‌کننده اشاره کرد. بازی‌های آموزشی می‌توانند به عنوان عامل مفید و کارآمد مورد استفاده‌ی معلمان قرار گیرند. هدف غایی این بازی‌ها فقط سرگرمی یا پر کردن اوقات فراغت نیست، بلکه چنین بازی‌هایی ضمن ایجاد لحظاتی لذت‌بخش و فرح‌انگیز برای مخاطبان، با فراهم ساختن تجربه‌هایی نزدیک به تجربه‌های دست اول باعث یادگیری سریع‌تر و پایدارتر می‌شوند. حضور فعالانه متعلمان در فرآیند یادگیری، مستلزم فراهم‌سازی شرایط و زمینه‌ی مناسب در محیط آموزشی است. به عقیده‌ی متخصصان حوزه‌های آموزش و پداگوژی، استفاده از بازی آموزشی در فرایند تدریس از جمله راهکارهایی است که زمینه‌ی لازم را برای افزایش فعالیت‌های یادگیری متعلمان فراهم می‌سازد.

مزایا و معایب روش تدریس بازی

مزایای روش بازی:

- ۱- بازی صورت تجربی یادگیری است. دانش‌آموزان در بازی از آنچه انجام می‌دهند، یاد می‌گیرند.
 - ۲- بازی بخشی از واقعیت را تصویر می‌کند.
 - ۳- بازی فرصت مشارکت در فعالیت یادگیری را برای همه‌ی دانش‌آموزان به میزان مساوی فراهم می‌آورد.
 - ۴- بازی ارزش انگیزه‌آفرینی دارد. (آقازاده، ۱۳۸۸)
 - ۵- پرورش تخیل و ارضای حس کنجکاوی
 - ۶- پر کردن اوقات فراغت
 - ۷- ایجاد نشاط و آماده‌سازی کودک برای سایر فعالیت‌ها
- معایب روش بازی:
- ۱- در کلاس‌های پرجمعیت قابل اجرا نیست.

مطلوب ارزیابی شود؛ چون در این روش دانش‌آموزان خود به صورت داوطلبی و با همکاری و تعامل با یکدیگر وارد بازی می‌شوند و این خود باعث دوام یادگیری در دراز مدت می‌شود. نتایج پژوهش جهانگردی (۱۳۹۴) نشان داد که از طریق بازی‌ها به صورت آموزش غیرمستقیم و مستقیم به هدف‌های اساسی تربیتی در مباحث مختلف می‌توان رسید و بازی‌ها موجب یادگیری فعال و کارآمد در آموزش می‌شوند. بازی نه تنها می‌تواند در بر گیرنده‌ی فعالیت‌هایی باشد که هدف‌گذاری شده‌اند بلکه اگر بازی با یک فعالیت درسی همراه شود، خوشایندی حاصل از بازی با درس مورد نظر پیوند می‌خورد و کودک به درس و مطالب درسی علاقه‌مند می‌شود. (نتایج پژوهش نیک‌خواه و همکاران)

۲- زمان‌بر است.

۳- برای اجرا به معلمان با تجربه و آشنا به این روش نیاز دارد. (انصاری اردلی، ۱۳۹۷)

بازی یک فعالیت طبیعی، لذت‌بخش و دوست داشتنی برای دانش‌آموزان می‌باشد که همه‌ی دانش‌آموزان با علاقه و انگیزه و فعالانه در آن شرکت می‌کنند. امروزه معلمان و مربیان با بهره‌گیری از روش تدریس بازی به عنوان یک روش نوین و فعال تدریس، آن‌ها را درگیر یادگیری می‌کنند. بازی‌های آموزشی برای دانش‌آموزان جالب و مورد تأیید است و همه‌ی آن‌ها بدون استرس و اضطراب و در فضایی به دور از رقابت و ترس از عدم یادگیری در آن حضور پیدا می‌کنند. مطالب و مفاهیم درسی را به صورت عینی و محسوس با بهترین کیفیت یاد می‌گیرند. همراه کردن هدف‌های آموزشی با بازی می‌تواند بسیار



محیط زیست یک ارزشی برای دانش آموزان

آیلا عباسپور دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا تیریز

اصولی زباله و تحویل آن به مراکز مرتبط، تذکر و آموزش به والدین و همسایگان، دقت در اجرای اصول بازیافت در مدرسه، ارائه گزارش کار ماهانه، نوشتن خاطرات یا انشاء یا نکته نظرات و...

همچنین علاوه بر این موارد می توانیم از بچه ها بخواهیم به صورت گروهی روزنامه دیواری در رابطه با این مسئله و جنبه های مختلف آن درست کنند. از دیگر ایده های مفید و سازنده، آموزش باغبانی است حتی اگر شده به صورت ساده. این مورد می تواند به کاهش استرس دانش آموزان نیز کمک بکند. لازم به ذکر است همه ی این موارد به صورتی خواسته و انجام شوند که دانش آموزان از روی علاقه و نه از روی اجبار، تکالیف مربوطه را انجام بدهند. به طور مثال ایجاد مسابقه بین دانش آموزان، تماشای مستند و انیمیشن های مربوط، برگزاری اردوهای مربوط و...

همان طور که گفته شد این مبحث بسیار گسترده بوده و از جنبه های مختلف قابل بررسی است. در علوم پنجم دانش آموزان می آموزند که وسایل نقلیه به محیط زیست آسیب می رسانند. از طرفی در درس تربیت بدنی این پایه، کودکان به طور کامل آماده ی دوچرخه سواری می شوند زیرا نکات و آموزش های لازم داده می شود. در نتیجه طبق مراتب یادگیری اگر این مورد برای دانش آموز تبدیل به ارزش بشود، سعی می کند مسیر خانه تا مدرسه را با دوچرخه رفت و آمد کند. معلمان الگوی دانش آموزان هستند و رعایت این موارد توسط خود معلم تأثیر چند برابری روی دانش آموزان خواهد داشت. از دیگر موارد جهت ایجاد علاقه و انگیزه در دانش آموزان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

پک های محیط زیست به کودکان داده می شود که شامل خاک مناسب، وسایل مورد نیاز، دانه ی چند نوع گیاه و آموزش کاشت و نگهداری آن ها می باشد. همچنین در درس هنر می توان آموزش درست کردن وسیله ی کاربردی با دورریختنی ها را آموزش داد.

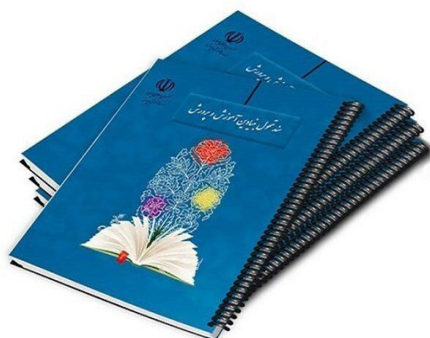
همان طور که می دانیم در آموزش و پرورش اهداف آموزشی و پرورشی با هم دنبال می شوند. بحث حفاظت از محیط زیست از جمله بحث هایی می باشد که هم در حوزه ی دینی، هم در حوزه ی مسئولیت اجتماعی و هم در حوزه ی علمی بسیار قابل ملاحظه می باشد. پس وظیفه ی معلمان است که در هر پایه ی تحصیلی متناسب با آن پایه، طرح درس مناسبی جهت رسیدن به شایستگی مورد نظر طراحی، اجرا و ارزیابی کنند.

در پایه های ابتدایی ضرورتی ندارد با کودکان در مورد مسائل دلهره آور زیست محیطی صحبت کنید. آنچه کودکان باید بدانند این است که مراقبت از سیاره ی زمین همیشه با انجام کارهای کوچک شروع می شود و هر کاری که انجام می دهند (چه بزرگ و چه کوچک)، می تواند سرنوشت متفاوتی را برای محیط زیست و موجودات زنده رقم بزند.

پیشنهاد ما این است که به عنوان معلم در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر، کلاس درس را در صورت مهیا بودن شرایط آب و هوا و دیگر موارد مورد نیاز در محیط خارج از کلاس و در دل طبیعت برگزار کنید و در حین تدریس از زیبایی های طبیعت مواردی ذکر کنید؛ از تغییر فصل ها بگویید و اشاره به معجزات پرودگار عالم مانند خاک، انواع درختان و گل ها داشته باشید.

از جمله تمرینات ذهن آگاهی که به توصیه ی دانشمندان جهت تمرین تمرکز مخصوصاً برای کودکان بیش فعال توصیه شده، گوش دادن و حس کردن طبیعت است؛ صدای حیوانات، رود، لرزش شاخ و برگ درختان در اثر باد، لمس خاک و تنه ی درختان و...

به معلمان تمام پایه ها توصیه می شود طرح درس مربوط به آموزش فرآیند بازیافت را نوشته و در طول سال تحصیلی اجرا کنند. همچنین جهت سنجش و ارزیابی در راستای رسیدن به این شایستگی، می توان جدول ارزیابی ماهانه تهیه کنیم؛ به این صورت که به هر دانش آموز ماهانه تحویل داده می شود و آخر هر ماه تحویل گرفته می شود. در این جدول ملاک هایی چون کاهش تولید زباله های کاغذی، بازیافت

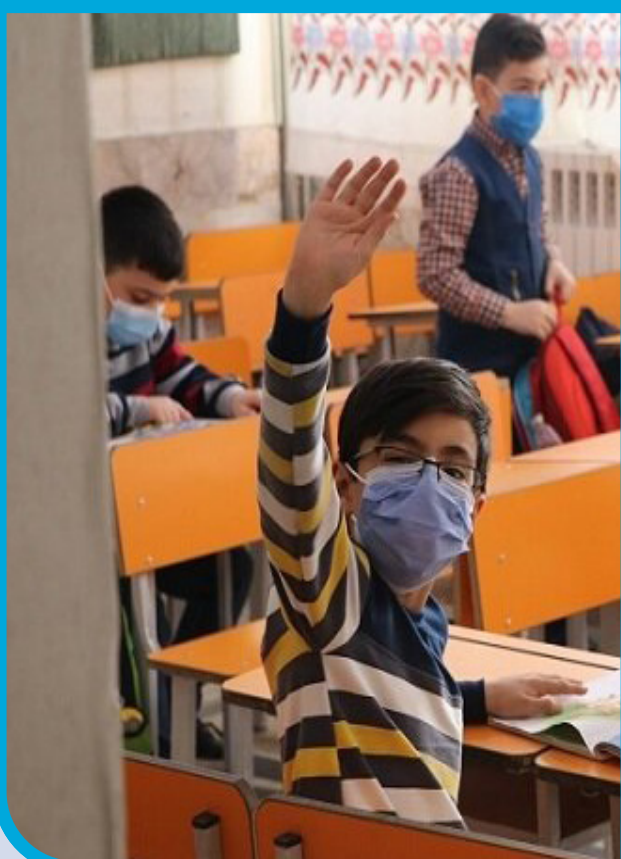


سند تحول؛ نظام دوری

هادی آقاپور دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس علامه امینی تبریز

آموزش و پرورش با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. از جمله این چالش‌ها نبود معلمان چند پایه است و معلمان باید این تخصص را پیدا کنند. همچنین ایراداتی برای این راهکار وارد است که از جمله می‌توان به وابستگی بیش از حد دانش‌آموزان به معلم، تکراری بودن تجربیات و تدریس معلم، کاهش روابط دانش‌آموزان و دوستی‌های آن‌ها و ضعیف ماندن دانش‌آموزانی که معلمان آن‌ها ضعیف است، اشاره کرد. در برآیند برای ارزیابی مفید بودن این راهکار، بایستی ارزیابی دقیقی از این اجرای آزمایشی انجام شود. از جمله راهکارهای موقتی برای رسیدن به نظام دوری، می‌توان به جلسات انتقال تجربه و انتقال استعدادها و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان کلاس به معلم کلاس بعدی اشاره کرد.

باشد که آموزش و پرورش توحیدی داشته باشیم...



یکی از راهکارهای سند تحول بنیادین، راهکار ۲۱ در مورد بازنگری و بازمهندسی ساختارها، رویه‌ها و روش‌های اداره کردن آموزش و پرورش است. راهکار ۸ از ۲۱ ام (۲۱/۸)، در مورد استقرار و استفاده از «نظام دوری» برای سازماندهی معلمان در سه پایه‌ی اول ابتدایی است.

نظام دوری به معنای همراهی معلم با دانش‌آموزان در چند پایه‌ی تحصیلی است. در نظام دوری سه ساله، دانش‌آموزان یک کلاس به مدت سه سال با یک معلم خواهند بود. این راهکار سند تحول امسال با ۱۵ درصد از دانش‌آموزان ابتدایی، یعنی حدود ۱۸۰۰۰ دانش‌آموز در ۶۴۰ کلاس سراسر کشور، به صورت آزمایشی برگزار می‌شود. از دلایل اجرایی این راهکار می‌توان به ارتباط عمیق معلم و دانش‌آموز در طی این سال‌ها اشاره کرد. معلمان در این بازه‌ی زمانی فرصت مناسبی برای شناخت عمیق مسائل آموزشی و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای حل مشکلات یادگیری دانش‌آموزان خواهند داشت. با توجه به این‌که دانش‌آموزان در سنین حساس رشد عاطفی قرار دارند، تغییر هر ساله‌ی معلمان باعث آسیب عاطفی به دانش‌آموزان می‌شود. اجرای نظام دوری می‌تواند از این آسیب بکاهد. دانش‌آموزان با توجه به شناخت و تجربه‌ای که از معلم خود دارند با اطمینان و آرامش در مدرسه حاضر می‌شوند و این در فرایند یادگیری تأثیر مثبتی دارد. همچنین این راهکار در روند ارتباط والدین با معلمان، شناخت صحیح معلمان و دقت در انتخاب معلم بهتر، تعامل بیشتر خانواده در کنار نهاد مدرسه و در نهایت به بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند. در نظام دوری، معلمان فرصت مناسبی برای کشف استعدادها و کمک در جریان بروز این استعدادها دارند. در واقع معلم با توجه به بازه‌ی زمانی طولانی خود به دانش‌آموزان به عنوان رهگذری یک ساله نگاه نمی‌کنند، بلکه مجبورند برنامه‌ای منسجم، منظم و با نگاه تربیت‌محوری نه کتاب‌محوری به تربیت توحیدی دانش‌آموزان بپردازند. معلمی که می‌داند با دانش‌آموزان کلاس ۳ یا ۶ سال تعامل خواهد کرد، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، با دانش‌آموزان مانند فرزندان خود رفتار می‌کند. معلمان در مدارس تک‌پایه تا فرصتی برای کشف استعدادها و مشکلات دانش‌آموزان پیدا کنند، سال تحصیلی تمام می‌شود و این دانش‌آموزان به معلم دیگری داده می‌شوند تا او هم دوباره از صفر شروع کند. برای اجرای این راهکار،

روایتی از زندگی معلم شهید دکتر مجید شریاری

رضا ایمانی دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس علامه امینی تبریز



داستان، داستان یک معلم است.

کلاس دکتر. آن زمان، دکتر الکترونیک ۱ و ۲ تدریس می‌کرد. هنوز هم نمی‌دانم؛ واقعاً نمی‌دانم که دکتر با من چه کرد؟ عین دو ساعت را درس می‌داد. زیاد هم حرف غیردرسی یا نکته‌ی خاصی نمی‌گفت، یا حرکتی فوق‌العاده و...

از همان جلسه‌ی اول کلاس، فقط یک صحنه مقابل چشم‌هایم آمد. صحنه‌ی نماز خواندن امام حسین (ع) در ظهر عاشورا و آن چند صاحبی ایشان که ایستاده بودند حایل میان امام و یزیدی‌ها؛ دکتر را یکی از آن‌ها می‌دیدم که تیر می‌خورد تا امام نمازش را اقامه کند. باور کنید اغراق نمی‌کنم. تا آخرین روز کلاس این صحنه را می‌دیدم. بدون این‌که اصلاً دکتر را بشناسم. درس الکترونیک در ظاهر اخلاقی و معرفتی نبود، دکتر هم قصد اخلاقی کردنش را نداشت؛ اما اتفاق خاصی در من افتاده بود که دلیلش را نمی‌فهمیدم. وقتی سر کلاس می‌رفتم، دیگر موضوع فقط کلاس درس نبود. انگار قالب یخی ذره‌ذره در من آب می‌شد. آن حضور، یخ ارتباطی من با خدا را ذره‌ذره آب می‌کرد و از بین می‌برد. دکتر بدون این‌که من را بشناسد یا حرفی بزند، تمام باورهای تخریب شده‌ام را دانه‌دانه پایه‌ریزی می‌کرد و من کاملاً آن را حس می‌کردم؛ من صداقتش را از درون حس می‌کردم.

حضور دکتر چنان انگیزه و باوری به من داد که نه تنها انصراف ندادم، بلکه توانستم ۴۶ واحد باقی‌ماندهٔ تحصیل را در دو ترم پاس کنم. فقط و فقط به این دلیل که برای ارشد، رشته‌ی دکتر را انتخاب کنم و بیشتر از ایشان بهره ببرم؛ و بالاخره این اتفاق افتاد. تا آخرین روزهای دنیایی دکتر کنارش بودم و از برکت وجودش استفاده می‌کردم. بنا ندارم از تمام خوبی‌هایش بگویم، همین بس که جز صدق در رفتارش ندیدم. تواضع او ناشی از این بود که هیچ‌وقت فراموش نمی‌کرد در این هستی پنهان، تنها ذره‌ای کوچک است.

پروفسور مجید شریاری، زادهٔ ۱۶ آذر ۱۳۴۵ شهرستان زنجان است. وی فیزیک‌دان و دانشمند هسته‌ای، مدرس و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران بود. دستاوردها و تلاش‌های وی در راستای ارتقاء و استقلال صنعت هسته‌ای ایران و تربیت شاگردان و دانشمندان آینده، او را به یک چهره‌ی علمی بزرگ تبدیل کرده بود که این وضعیت زنگ خطری برای آمریکا و اسرائیل بود. از این رو دکتر مجید شریاری توسط مزدوران استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی، صبح روز ۸ آذر ۱۳۸۹ با بمب متصل شده به خودرو، پیش چشمان

اولین سؤالی که ذهن ما را درگیر می‌کند ناشی از یک تناقض است. اصولاً چطور می‌شود به یک فیزیک‌دان هسته‌ای لقب «معلم» داد؟ شاید ابتدای جوانی‌اش در آموزش و پرورش بوده یا شاید برای کنکوری‌ها ریاضی و فیزیک تدریس می‌کرده! خیر. برای فهم چنین موضوعی نیاز داریم با عینک و نگاهی تازه و نو به ماجرا نگاه کنیم. اگر در پی حقیقت باشیم، واقعاً نامنصفانه است که مقام و منزلت معلم را تا سطح یک حرفه‌ی معمولی برای امرار معاش، پایین بیاوریم. از طرف دیگر رسوخ تفکر سرمایه‌داری و والا ارزش شدن پول که میراث تاریخ تمدن غرب برای جوامع بشری بوده است، ذهنیت ما را در قیاس مسائل مختلف نیز تغییر داده است. ناشی از همین فکر است که جایگاه شغل‌ها را نیز با میزان درآمد تعیین می‌کنیم و در این نوع مقایسه‌ها، معلمی عجب جایگاه پایینی دارد. اما باطن قضیه چیز دیگری است. به تحقیق، ارزش و جایگاه والای شغل معلمی اثبات شده است؛ اما در کلام بزرگان و تعالیم عظیم مکتب اسلام، معلمی فقط یک حرفه نیست بلکه یک شأنت است. صرفاً با استخدام شدن در نهاد آموزش پرورش نمی‌شود به کسی معلم گفت بلکه معلم بودن ملزوم بر این است که شما در وجود خود خصوصیتی به وجود بیاورید، ویژگی‌هایی کسب کنی و در جهان بینات ارزش‌هایی را اولویت قرار دهی تا به یک معلم حقیقی تبدیل شوی. چه بسیار مدرسانی دیدیم که معلم نبودند و با افراد عادی آشنا شدیم که به معنای واقعی کلمه معلم بوده‌اند.

متن زیر خاطره‌ی یک دانشجو از استاد شهیدش می‌باشد:

دانشجوی کارشناسی بودم و در شرایط کاملاً نامناسب روحی و عاطفی ناشی از مشکلات زندگی، قدری احساس پوچی می‌کردم. برایم سخت بود به زندگی عادی و باورهایم برگردم.

بعد از سه ترم مشروطی و انگیزهٔ انصراف از دانشگاه، پا گذاشتم به

نتوانستم در آزمون دکترای دانشگاه خودمان قبول بشوم. به شدت از لحاظ روحی و جسمی به هم ریخته بودم. باورم نمی شد که قبول نشده ام. خبر اوضاع و احوال بدم به دکتر هم رسیده بود و چندین بار با من صحبت کرد. می گفت باید عبد باشی و راضی به رضای او. این حرف های دکتر عجیب به دلم می نشست. چون می دیدم خودش عامل بود. توانست در دانشکده برایم اتاقی دست و پا کند و برای کمک و همکاری در برخی پروژه ها، من را شریک کند. نگذاشت سرم خلوت بماند و آن روزها، آن حال و احوال بد برایم تکرار شود.

بسی گفتم و گفتند از شهیدان

شهیدان را شهیدان می شناسند

این نوشته به هیچ وجه روایتی کامل از زندگی معلم گونه شهید بزرگوار نخواهد بود. اما امید است که جرقه ای در ذهن خوانندگان به خصوص دانشجومعلمان و معلمان باشد تا بیشتر به شناخت اسطوره های بزرگ، به خصوص اسوه های معلمی و تربیت کشورمان بپردازیم و در سایه ی همت دغدغه مندان فرهنگی میهن مان، این قهرمان های بزرگ جای سوپر قهرمان های خیالی هالیوودی و... را بگیرند.

منبع:

استاد، خرده روایت هایی از زندگی شهید دکتر مجید شهریاری؛ انتشارات

شهید کاظمی؛ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸



همسرش به فیض شهادت نائل آمد.

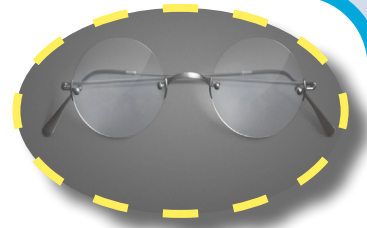
دکتر مجید شهریاری در محیط دانشگاه، اجتماع و در جمع خانواده اش معلمی بود که عصاره ی کلاس درسش را توحید، اخلاق و معنویت شکل می داد و به الگویی کامل در سخت کوشی، علم آموزی و شکافتن مرزهای دانش تبدیل گشته است. اما خصوصیتی که نمک کار تربیتی اش بود، صدق و اخلاص این دانشمند عظیم الشان است. همکارش می گوید: «در دفترش را باز می کرد و می گفت، بفرمایید. مسائل را روی کاغذ سریع حل می کرد و می گفت، تمام شد؛ خدا قبول کنه ان شاء الله، به سلامت. حتی وقتی می خواست در اجرا کردن کدها دکمه ی اینتر را بزند، می گفت خدا قبول کنه ان شاء الله، اصلاً این شده بود تکیه کلامش».

چیزی که این استاد شهید را از دیگران متمایز می کرد و او را تا قله های مرتفع بالا می برد، دو بال بزرگ ایمان و علم بود. هم تسلط بر قلوب داشت و هم صیانت بر اذهان. در خصوص علم شهید شهریاری، صرف اکتفا می کنیم به این گفته از استاد شهید که می گویند: «اگر به شهریاری در صنعت هسته ای ۱۰۰ بدهیم، من به زحمت به بهترین فرد موجود کشور که می شناسم ۵۰ می دهم و به شما خالص و قاطع می گویم، من دیگر خجالت می کشیدم جلوی شهریاری توی مسائل فنی حرف بزنم». دکتر شهریاری مجسمه ای از سخت کوشی برای دانشجویانش بود. وجود خستگی ناپذیر و تلاش های بی دریغ وی در آموزش مسائل علمی به دانشجویانش و زحمات های شبانه روزی وی در رسیدن به مطالب جدید و حل سؤالات، گواهی راسخ بر این موضوع است. دانشجویی تعریف می کرد که از دکتر تأثیر زیادی می گرفتیم، چون که ذهن خلاق داشت و راه هایی را می رفت که دیگران تا به حال نرفته بودند. این شجاعت دکتر هنوز هم در دانشجویان دکترای ایشان وجود دارد. اگر شما در کلاس درس، صرف به اخلاق خوب آراسته و همچنین معنوی باشید از شما یک معلم نمونه نمی سازد، تخصص و تعهد شماست که این پازل را کامل می کند؛ همان چیزی که دکتر داشت.

در کلاس درس، استاد شهریاری فقط یک مدرس درس تخصصی نبود. رابطه ی او با شاگردانش به گونه ای بود که سعی می کرد آن ها هم از لحاظ معنوی رشد کنند و هم از لحاظ تخصصی و فنی. خاطره های بسیاری از دانشجویان ایشان به جا مانده که حاکی از آن است دکتر به صورت تمام و کمال دانشجویان خود را حمایت می کرد؛ چه در بحث درس و تحصیل، چه در بحث ازدواج و حمایت مالی، چه در بحث معنوی و... این خصیصه او را در بین شاگردانش محبوب می ساخت. یکی از شاگردان دکتر تعریف می کند: «آن سال با وجود تمام تلاشم،

از عینک مقایسه تا ترازوی پیشرفت

مریم ناصرپور دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهراهای تبریز



آموزشی آزاد و انعطاف‌پذیر، دانش‌آموزان را با نیازهای جامعه آشنا کند و به گونه‌ای آن‌ها را آموزش دهد که در آینده بتوانند در رفع مشکلات جامعه‌ی خود سهیم باشند. بنابراین در این راستا و به منظور ارج نهادن به دانش‌آموزان خلاق، مدارس مستقل و آزاد تأسیس شده است؛ اما در مدارس ایران چه خبر است؟ متأسفانه در کشور ایران، مدارس نه تنها مستقل و آزاد نیستند بلکه در راستای پیشبرد محتوای کتاب درسی و به عبارتی پیشبرد بودجه‌بندی، خلاقیت دانش‌آموزان را شکوفا نشده، خاموش می‌کنند. در نظام آموزشی سنگاپور در مقطع ابتدایی، یعنی از سال اول تا ششم، دانش‌آموزان چهار سال را به عنوان مرحله‌ی پایه‌ای می‌گذرانند. همه‌ی دانش‌آموزان در دوره‌ی پایه موظف هستند برنامه‌های مشترک زبان انگلیسی، زبان مادری، علوم تجربی و ریاضیات را داشته باشند. همچنین برخی دیگر از موضوعات درسی مثل موزیک، هنر سفالگری، آموزش بهداشت، مطالعات اجتماعی و آموزش علوم فیزیکی (شامل فیزیک و شیمی) به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. علاوه بر موارد فوق، تدریس علم اخلاق نیز به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ارزش‌های اخلاقی و هویت ملی‌شان را بهتر درک کنند. تا این‌جا کار شباهت نظام آموزش و پرورش سنگاپور به ایران بسیار است؛ اما در حیطه‌ی عمل چطور؟ متأسفانه در کشور ما به دلیل عدم ارج نهادن به مباحث هنری و منزلت‌بخشی به مباحث ریاضیات، علوم و... بسیاری از مباحث پایه آموزش داده نمی‌شود و دانش‌آموزان برای شکوفا شدن باید در جایی غیر از مدارس به دنبال استعدادهای خود بروند که این خود زخمی عمیق بر پیکره‌ی زندگی تحصیلی و شخصی دانش‌آموزان وارد می‌کند. در پایان سال ششم از دانش‌آموزان امتحان نهایی تحت عنوان امتحان فارغ‌التحصیلی از مدرسه‌ی ابتدایی گرفته می‌شود و با توجه به نمره‌ای که کسب می‌کنند و استعدادی که در درس خاصی دارند، می‌توانند دروس مقطع متوسطه مورد نظر را انتخاب کنند و اما در ایران تنها چیزی که به آن توجه نمی‌شود، چه از سوی معلمان و چه از سوی خانواده‌های دانش‌آموزان، همین استعداد است. آن‌ها همانند ما همه‌ی دانش‌آموزان را با یک آزمون یکسان نمی‌سنجند که در نهایت، تر و خشک با هم بسوزند. یاد نگرفته‌اش تا ابدالدر فرا نگیرد و یاد گرفته‌اش نیز به چشم نیاید و در انبوهی از یکسان‌سازی‌ها گم شود. در مدارس سنگاپور هر ساله دانش‌آموزان از طریق انجام تکالیف،

من هم همانند هر انسانی، وطنم را عاشقانه دوست دارم و شاید همین دلیلی باشد برای یافتن یک روزنه؛ روزنه‌ای برای رهایی و ترمیم زخم‌های مزمن وارده از سوی خودمان بر پیکره‌ی نظام آموزشی‌مان. و گرنه که کدام عقل سلیم از ناکامی ایران و ایرانی لذت می‌برد؟! ما به عنوان معلمان و دبیران و شاید مسئولان نظام آموزشی، مسیر درست بالندگی و اعتلا را در نظام آموزشی‌مان درست طی نکرده‌ایم و همین امر به مرور زمان، روزنه‌های امید را برای ترقی و بهبود در ما خفته است.

بسیاری اذعان دارند که مقایسه‌ی نظام آموزشی، کاری بیهوده است؛ اما در جواب باید گفت که چرا از پنجره‌ی بیدارسازی وجدان فردی برای یاد گرفتن و عمل کردن و یا دریافت کوچک‌ترین جرقه‌ها برای ایجاد تحول و رسیدن به وضعیت مطلوب به این مقایسه نگاه نکنیم؟! چرا که در این جولانگاه سردرگمی و بی‌توجهی و بی‌ارادگی، بسیاری از انسان‌هایی که انگیزه، قدرت و توانایی ایجاد تحول را دارند، اما نمی‌توانند.

بر اساس آخرین و جدیدترین گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، از شاخص‌های موفقیت تحصیلی که با سرنام «پيسا» شناخته می‌شود، کشورهای آسیای شرقی در بالاترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند و دانش‌آموزان سنگاپوری در رتبه‌ی اول موفقیت تحصیلی قرار دارند.

بنابراین ما در این‌جا قصد داریم که با مقایسه‌ی نظام آموزش و پرورش ایران و کشورهای سنگاپور و ژاپن که به عنوان نظام‌های آموزشی موفق جهان شناخته می‌شوند، قدمی در جهت ایجاد تحول و بهبود زخم‌های وارده بر پیکر نازنین نظام آموزشی‌مان برداریم.

اما چرا سنگاپور موفق است؟

دیدگاه و باور هر جامعه نسبت به هر امری است که مسیر حرکت و سیاست‌های دولت و مردم آن جامعه را تشکیل می‌دهد و این دیدگاه و باور، خواسته یا ناخواسته به عنوان روش حرکت آن جامعه قلمداد می‌شود و در نهایت آن جامعه را به جایی می‌رساند که الفبای آن را خود آن جامعه ترسیم کرده است.

در کشور سنگاپور نیز یکی از مهم‌ترین اهداف آموزشی، فراهم ساختن آموزش جامع برای هر یک از شهروندان است که تا این‌جا کار با نظام آموزش و پرورش ایران تفاوتی ندارد؛ اما در کشور سنگاپور در این رابطه، وزارت آموزش و پرورش سعی دارد با فراهم کردن نظام

باشیم که عنصر فرهنگ و آمیختگی آن با تعلیم و تربیت در کشور ژاپن غنی است ولی در ایران نزدیک به صفر است. ما در کشور خود صرفاً به آموزش پرداخته‌ایم. آموزشی فشرده از مفاهیم انتزاعی که در جامعه‌پذیری و درونی شدن ارزش‌ها تأثیری ندارد و به عبارتی دیگر، ما دانش‌آموزان را به حال خودشان رها کرده‌ایم و دانش‌آموزان از خانواده به مدرسه و از مدرسه به خانواده برای تربیت و نه آموزش درحال پاس‌کاری شدن هستند و در همین میان است که رسانه و فرهنگ غربی آن‌ها را دعوت می‌کند و فرزندان ما همچون نهالی جان گرفته، گرد و غبار غرب را با آغوشی باز می‌پذیرند.

از سوی دیگر دید ژاپنی‌ها به هر رفتاری از سوی دانش‌آموزان، نگاهی تحلیل‌گرانه در راستای یادگیری و به‌کارگیری آن در زندگی است. نگاهی که از سوی نظام آموزش و پرورش ما هرگز دیده نشده است. اگر در ژاپن دانش‌آموزان بدون هیچ اجبار و کراهتی کاری را انجام می‌دهند، سرایدار ندارند و سرویس بهداشتی و مدرسه را خود تمیز می‌کنند، اگر سرویسی ندارند و خود با پای پیاده و یا با دوچرخه مسیر مدرسه و خانه را طی می‌کنند، همه‌ی این‌ها به این دلیل است. اکثر ما فقط برای آموزش آمده‌ایم و لاغیر. ما را چه به یادگیری مفاهیم ضمنی و اخلاقیات و یا اجرای برنامه‌های پنهان در یک تصمیم!

در نهایت ژاپنی‌ها اگر فرزندان خود را امانتی از کشور برای مراقبت و نگهداری و هدایت به سوی اهداف ملی بدانند، ما آن‌ها را عصای دوران پیری خود می‌بینیم و خودخواهانه همه چیز را در دسترس او قرار می‌دهیم و تازه به دنبال استقلال فرزندانمان هستیم. اگر آن‌ها به‌تدریج فرد را آماده‌ی زندگی فردی و اجتماعی کنند، ما یک‌باره او را وارد زندگی اجتماعی می‌کنیم و تازه به حالت گریان و ترسان کودکانمان در اولین مواجهه‌ی او با محیط جدید و افراد جدید، یعنی هنگام ورود به دبستان، معترض هستیم و احساس تأسف می‌کنیم. در نهایت ای کاش این نفس‌تنگی‌های نظام آموزش و پرورش را دریابیم و به جای ایجاد تغییر و اصلاحات موقتی، به دنبال تحول باشیم.

پروژه‌ها، آزمون‌های محتوایی و عملکردی و نیز فعالیت‌های عملی و آزمایشگاهی توسط معلم خود مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند. این امر به نوعی در ایجاد جو رقابتی در مدارس، نقش مهمی ایفا می‌کند. بر پایه‌ی این ارزشیابی‌ها، دانش‌آموزان به پایه‌های بالاتر تحصیلی ارتقاء یافته و جایگاه علمی و شخصیتی خود را در مدرسه تثبیت می‌نمایند؛ اما در مدارس ایران چه اتفاقی می‌افتد؟ بله، با انجام آزمون‌های یکسان‌سازی شده‌ی اکثراً کتبی و شفاهی غیراستاندارد و حتی نه به صورت عملی و آزمایشگاهی، نه تنها جو رقابتی ایجاد شده از حالت دوستانه خارج می‌شود بلکه حتی از نظر ما نمره ۲۰ دانش‌آموز در دروس حفظی، بیانگر برتری و توانمندی او محسوب می‌شود. همچنین در سنگاپور در آزمون‌های سالانه علاوه بر دانش‌آموزان، مدارس و عملکرد کادر اداری و آموزشی آن‌ها نیز مورد ارزشیابی قرار گرفته و از لحاظ سطح علمی، رشد تحصیلی و کسب عناوین افتخارآمیز رتبه‌بندی می‌شوند. این امر سبب تشویق دانش‌آموزان و معلمان از طرف کادر اداری مدرسه و اجرای منظم‌تر و دقیق‌تر اهداف آموزشی می‌شود و اما در ایران آخرین آزمونی که برای بررسی سطح عملکرد کادر اداری و آموزشی مدارس برگزار شد، به یاد دارید چه زمانی بود؟ من که نه.

اما چرا ژاپن موفق؟

در بحث مقایسه، لازم است به نکات مشترک بین ایران و ژاپن که بر اساس اصول آموزشی پذیرفته شده از سوی سازمان فرهنگی یونسکو اعلام شده بپردازیم:

- ۱- یادگیری به منظور دانستن (Learning to know)
- ۲- یادگیری به منظور اقدام کردن (Learning to Do)
- ۳- یادگیری به منظور بودن (Learning to Be)
- ۴- یادگیری به منظور زندگی کردن در کنار هم (Learning to Live Together)

واضح است که ژاپنی‌ها در تعهد به این چهار اصل یونسکو از ما موفق‌تر بوده‌اند و ما از هر اصل، نه تنها فاصله گرفته‌ایم بلکه رسیدن به آن را نیز فراموش کرده‌ایم و یا در مفاهیم و جملات، آن‌ها را گم کرده‌ایم. از سوی دیگر در مقام مقایسه، باید به این نکته‌ی ظریف توجه داشته



مهمان ناخوانده!!

راضیه شاکر دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهرا تبریز

این مهاجرت در ابعادی گسترده‌تر ادامه یافت. مهمان‌های ناخوانده‌ای که نمک خورده و نمکدان شکستند! این‌جا بود که مسئله‌ی اصلی اشغال فلسطین آغاز شد. بریتانیا در سال ۱۹۲۰ با اهدای حدود ۶۰۰ کیلومترمربع از زمین‌های فلسطین به آژانس یهود، اولین گام را در جهت غصب فلسطین برداشت. در ادامه حدود ۶۷۸ کیلومترمربع هم توسط خانواده‌های عرب غیرفلسطینی به یهودیان فروخته شد. همچنین صاحبان اروپایی و آمریکایی زمین‌ها از جمله خاندان روچیلد نیز زمین‌های خود را به یهودی‌ها فروختند. نکته قابل توجه این‌جاست که با وجود این خرید و فروش‌ها، کل زمین‌هایی که به یهودیان فروخته شد حدود ۶ یا ۷ درصد کل مساحت سرزمین فلسطین بود. اما تکلیف باقی زمین‌ها چه شد؟ در آن زمان روحانیون مسلمان، فتوایی صادر کرده و فروش زمین به یهودیان را حرام شمردند؛ در نتیجه بخش عمده‌ی صاحبان زمین‌ها که فلسطینی و مسلمان بودند، از این فتوا پیروی کرده و زمین‌های خود را نگه داشتند. در این میان انگلستان از پای ننشست و برای رسیدن به مقاصد خود، مهره‌های جدیدی را وارد بازی کرد که یکی از آن‌ها سید ضیاءالدین طباطبایی (از مهره‌های انگلیس در ایران و شریک رضاخان در کودتای ۱۲۹۹) بود. سید ضیاءالدین نقش دلال فروش زمین از فلسطینی‌ها به یهودیان را داشت. با توجه به این‌که او مسلمان بود، فتوای روحانیت شامل وی نشده و می‌توانست زمین‌های فلسطینی‌ها را بخرد و از آن طرف به یهودی‌ها بفروشد. این روند ادامه یافت تا این‌که در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه ۱۸۱، طرح تقسیم فلسطین را تصویب کرد. بر اساس این طرح فلسطین باید ۵۵ درصد از خاک خود را به صهیونیست‌ها می‌داد. در حالی‌که در آن زمان با وجود مهاجرت‌های گسترده‌ی یهودیان به فلسطین باز هم فقط یک‌سوم جمعیت، فلسطینی‌ها بودند. فلسطینی‌ها که نمی‌توانستند این قطعه‌امه‌ی اجباری را بپذیرند، شروع به مخالفت و مبارزه با این تصاحب ناعادلانه کردند. سرانجام در ۱۵ مه سال ۱۹۴۸، صهیونیست‌ها دست به جنایتی وحشیانه علیه ملت فلسطین زده و سرزمین آنان را اشغال کردند؛ جنایتی که به روز «نکبت» معروف شد و طی آن بیش از ۵۳۱ شهر و روستا ویران شد و ۷۷۴ روستای دیگر به تصرف اشغالگران در آمد و بیش از ۸۰۰ هزار فلسطینی از سرزمین و خانه‌ی خود آواره شدند. در نهایت اسرائیلی‌ها باقی‌مانده‌ی زمین‌های فلسطین را از طریق جنگ، زور و کشتار به چنگ آورده و حکومت دروغین کنونی را ایجاد کردند.



در سال‌های دهه اول قرن بیستم، روابط امپراتوری عثمانی (وسعت از شمال تا مجارستان، از جنوب تا یمن، از شرق تا عراق و از غرب تا الجزایر) با آلمان به تدریج پیشرفت کرد و به همین خاطر دولت عثمانی در سال ۱۹۱۴ به دنبال آلمان علیه متفقین اعلام جنگ کرد. در نتیجه روسیه و انگلستان به منظور تصرف سرزمین‌های عثمانی با هم متحد شدند. هم‌زمان با عملیات متفقین، تحریکات انگلستان به‌ویژه در عراق نتیجه بخشید و شریف حسین در عراق علیه حکومت عثمانی قیام نمود و باعث شد تا ضربه‌ی شدیدی به دولت عثمانی وارد آید. طبق برنامه، افسران اطلاعاتی انگلیسی وارد سرزمین‌های عثمانی شدند و با تأکید بر تفاوت‌های نژادی، مذهبی و طایفه‌ای بین قبایل تفرقه انداختند که مشهورترین این افسرها توماس ادوار لورنس بود که به لورنس عربستان معروف شد و دستگاه تبلیغاتی غرب از وی یک چهره‌ی استقلال‌طلب و آزادی‌خواه به نفع اعراب ساخته بود. در طی توطئه و تحریکات دولت‌های استعماری، امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول شکست خورده و در سال ۱۹۱۸ میان انگلیس و فرانسه تجزیه شد. در نهایت به جای عثمانی چندین حکومت محلی کوچک از جمله عربستان، اردن، عراق، کویت و قطر در خاورمیانه تشکیل شد و سرزمین فلسطین به دست بریتانیایی‌ها افتاد.

حال سؤال این‌جاست که چرا انگلستان با وجود شکست‌های پی‌درپی بر تسخیر سرزمین‌های عثمانی اصرار می‌ورزید؟ برای پاسخ به این سؤال بهتر است به سال ۱۹۱۷ میلادی باز گردیم. زمانی که آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه وقت بریتانیا در تاریخ دوم نوامبر همان سال خطاب به والتر روچیلد (روتشیلد)، سیاستمدار یهودی تبار، وعده‌ی ایجاد «خانه‌ی ملی برای مردم یهود» در سرزمین فلسطین داده است. آن زمان فلسطین هنوز جزء قلمرو امپراتوری عثمانی بود اما با این نامه، مهاجرت یهودیان که از حدود ۱۰۰ سال پیش به صورت پراکنده در قاره‌ی اروپا زندگی می‌کردند به فلسطین آغاز شد. یک سال بعد هم که امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول شکست خورد و فلسطین به دست بریتانیا افتاد،

ردپای استکبار

رقيه شاکر دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهراء تبریز

رئیس جمهور وقت آمریکا، با مأموریتی از طرف مافوقش، آیزنهاور، به ایران می‌آید. در حقیقت او می‌آمد تا نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری آمریکا در پیروزی سیاسی قوای طرفدار حکومت دست‌نشانده‌ی سلطنتی را مشاهده کند.

در مقابل، دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که در فضای حکومت نظامی بعد از کودتای ۲۸ مرداد هنگام ورود نیکسون، نفرت و انزجار خود را به دستگاه کودتا نشان دهند. دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی، علوم، دندان پزشکی، پزشکی، داروسازی و فنی در دانشکده‌های خود تظاهرات گسترده‌ای بر ضد دولت کودتا بر پا کردند و همین تظاهرات موجب شد تا دولت زنگ خطر دانشجویان را بیش از پیش احساس کند. این تظاهرات به بهانه ورود دنیس رایت، کاردار سفارت انگلیس به ایران و اعلام رسمی تجدید رابطه آمریکا با ایران توسط ارتشبد زاهدی در ۱۴ آذر صورت گرفت که تا روز ۱۵ آذر هم ادامه داشت و به دستگیری عده‌ای در بازار و دانشگاه انجامید.

روز واقعه

صبح شانزده آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه اوضاع غیرعادی و حضور سربازان با تجهیزات نظامی شدند و فضای دانشگاه آبستن وقوع حادثه‌ای بود. کلاس‌های ساعت اول بدون اتفاق مهمی برگزار شد و دانشجویان بدون هیچ واکنشی، بدون سر و صدا به کلاس‌ها رفتند که ناگاه سربازان، بی‌هیچ بهانه موجبی با هجوم به دانشکده‌های مختلف دانشگاه، تعدادی از دانشجویان دانشکده‌های حقوق، داروسازی و علوم را همراه با برخی استادان دستگیر کرده و پس از ضرب و شتم به داخل خودروی مخصوص گارد بردند. رئیس دانشگاه که نگران جان دانشجویان بود، دستور داد دانشگاه تعطیل شده و دانشجویان به خانه‌هایشان بروند. در همین هنگام در یکی از کلاس‌های دانشکده‌ی فنی، عده‌ای از دانشجویان به حضور سربازان در محیط دانشگاه و کلاس‌ها و ایجاد هیاهو و تنش اعتراض کردند. دانشکده‌ی فنی به هم ریخت و در محاصره کامل نظامیان قرار گرفت و به یکباره فرمان آتش صادر شده و دانشجویان در صحن طبقه‌ی اول به خون می‌غلطند. در این میان سه دانشجوی دانشکده‌ی فنی به نام‌های مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد

در دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰، پس از سقوط حکومت رضاشاه پهلوی و ایجاد فضای بازتر، فعالیت‌های سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه تهران که تنها مؤسسه‌ی مدرن آموزش عالی آن زمان در ایران بود، بسیار افزایش یافت. در این دوران نخستین حزب سیاسی ایران، یعنی حزب توده تشکیل شده بود و به دلیل شرایط حاکم بر جامعه از نفوذ بسیاری در بین دانشجویان برخوردار بود؛ چنان که بنا به گزارش‌های مختلف، بیش از نیمی از دانشجویان دانشگاه تهران عضو یا هوادار این حزب بودند. تا این‌که در اردیبهشت ۱۳۳۰ دولت دکتر مصدق روی کار آمد و طی دو دوره‌ی نخست وزیری او، محبوبیت جبهه‌ی ملی افزایش یافته و نفوذ حزب توده در دانشگاه را با چالش روبه‌رو کرد. هم‌زمان با کنشگری‌های سیاسی و ملی‌گرایی در سطح دانشگاه، اتفاق عظیمی در کشور رخ داد که معادلات سیاسی را زیر و رو کرد؛ کودتای ۲۸ مرداد.

در طی این کودتا که در مرداد ۱۳۳۲ با تلاش استعمار خارجی و با همراهی استبداد داخلی علیه دولت دکتر مصدق اجرا شد، منجر به براندازی دولت مصدق و روی کار آمدن حکومت سلطنتی محمدرضا پهلوی گردید و همه‌ی فعالیت‌های سیاسی جامعه و به‌ویژه دانشجویان را سرکوب کرد؛ اما دانشجویان با مشاهده‌ی وضعیت نابسامان کشور ساکت نمانده و دست به اقداماتی زدند. جلسات شبانه گروه‌های مبارز سیاسی اعم از مذهبی‌ها، ملی-مذهبی‌ها، توده‌ای‌ها و... برای مبارزه با دولت کودتا تشکیل می‌شد. جلساتی با موضوع مشابه اما روش‌ها و اهداف متفاوت.

علاوه بر دانشجویان، سازمان‌های سیاسی تشکیل‌دهنده جبهه‌ی ملی نیز برای دوره‌ی کوتاهی در یک ائتلاف ضعیف تحت نام «تهضت مقاومت ملی» به مقاومت سیاسی دست زدند و تظاهرات و اعتصاب‌های پراکنده‌ای در پاییز همان سال در دانشگاه تهران و همچنین بازار، از جمله در تاریخ ۱۶ مهر و ۲۱ آبان در اعتراض به محاکمه‌ی مصدق برگزار شد. اعتصاب بازاریان و دانشگاهیان عرصه را بر کودتا تنگ‌تر کرده بود که سرانجام حکومت وارد عمل شد و با سرکوب دانشگاه و بازار، فضای خفقان و هراس‌آوری ایجاد کرد.

زمزمه‌های مذاکره‌ی دوباره‌ی دولت‌های ایران و انگلیس که پیش‌تر به لطف مبارزه مصدق در جهت ملی شدن نفت قطع شده بود، به گوش می‌رسید. تا این‌که در ۲۴ آبان ۱۳۳۲ خبر می‌رسد نیکسون، معاون

قندچی، مظلومانه به شهادت می‌رسند.

نحوهی شهادت از زبان خانواده‌ی شهید

شهید مصطفی بزرگ‌نیا دانشجوی ۱۹ ساله‌ی دانشکده فنی، به نقل از برادرش با اصابت گلوله‌ی مأموران رژیم شاهنشاهی به قلبش، در دم به شهادت رسید. برادر شهید می‌گوید: «مصطفی از نظر روحیه خیلی با شهامت بود. جمله‌ی معروف وی همین بود که می‌گفت مرگ افتخارآمیز را از زندگی ننگین بهتر می‌دانم. تا موقعی که زنده‌ام علیه شاه مبارزه خواهم کرد».

هدی شریعت رضوی، دومین شهید واقعی ۱۶ آذر نیز با اصابت گلوله بلافاصله به شهادت می‌رسد. برادر شهید درباره‌ی او می‌گوید: «برای تحویل گرفتن جسد به بیمارستان ارتش رفتیم. جواب درستی ندادند. بعد جسته و گریخته گفتند که این ۳ نفر کشته شده‌اند و به گورستان منتقل شده‌اند. ما رفتیم گورستان مسگرآباد، دیدیم سرباز هست و ما را راه ندادند، گفتند اگر این‌جا آورده‌اند، دفن شده‌اند. روز بعد شنیدیم که خودشان شبانه برده‌اند در گورستان دفن کرده‌اند. بعد او را توسط یکی از آشنایان از مسگرآباد آوردیم امام‌زاده عبدالله و پهلوی قندچی و بزرگ‌نیا دفن کردیم. آن زمان به قدری خفقان بود که اجازه‌ی برگزاری مراسم ندادند. حتی نگذاشتند مراسم عزاداری مشخصی برای روز سوم یا هفتم برقرار شود».

احمد قندچی، دانشجوی دیگری است که به ضرب گلوله مجروح می‌شود. همان‌طور که احمد بر زمین افتاده، ناگاه لوله‌ی شوفاژ مقابل او می‌ترکد و آب جوش تمام سر و صورت او را می‌سوزاند. ناچار احمد را به بیمارستان می‌رسانند، اما مسئولان بیمارستان حتی از تزریق خون به احمد خودداری می‌کنند و او ۲۴ ساعت مظلومانه درد می‌کشد و قطره‌قطره خون از دست می‌دهد تا شهید می‌شود. برادر شهید می‌گوید: «پس از شهادت برادرم، با کوشش و تلاش فراوان بالاخره توانستیم جسد او را تحویل بگیریم و در امام‌زاده عبدالله به خاک بسپاریم. اما رژیم از برگزاری شب هفتم جلوگیری کرد؛ ما و حتی مادرم را زیر فشار شدید قرار داد تا جایی که ما حتی نتوانستیم در تهران بمانیم». به نقل از خواهر شهید: «رژیم پهلوی نمی‌گذاشت ما روی سنگ قبر برادرم کلمه‌ی «شهید» را بنویسیم. بعد از یک سال که موفق شدیم روی سنگ قبر کلمه‌ی شهید را حک کنیم، باز آمدند و تراشیدند».

منبع: روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۵/۹/۵۸

به این ترتیب در آذر ۱۳۳۲ به میمنت ورود مهره‌ی استعمار به کشور، شاه سه دانشجوی جوان و رشید را پیش پای او قربانی کرد تا تاریخ بداند برای خاندان پهلوی نه جوان مهم است، نه علم، نه مردم،

نه عدالت و نه آزادی بیان. همان چیزی که امروزه نوادگان خاندان پهلوی دم از پاسداشت آن می‌زنند. اما تاریخ به ما گوشزد می‌کند تنها چیزی که برای این خاندان اهمیت دارد، عمل به دستورات صاحبان غربی خود بوده، هست و خواهد بود. ۱۶ آذر نماد بیداری دانشجویان و حضور تمام‌قد جنبش دانشجویی در مقابل استکبار و ظلم و بی‌عدالتی، آن هم در اوج خفقان است.

عدم توجه دانشجویان به مسائل سیاسی کشور، یعنی خیانت به آرمان شهیدایی که در فضای ترس و خفقان در مقابل ظلم و جور شجاعانه قد علم کردند. هم اکنون با علم بر هجمی روز افزون و تهاجم فرهنگی و فکری دشمن علیه آرمان انقلاب و نسل آینده، دانشجوی انقلابی با الگوگیری از راه این سه اسطوره‌ی شجاعت، باید پشت‌به‌پشت رهبر خود آگاهانه و مجدانه مسائل کشور و جهان را پیگیری کرده و به موقع آگاه‌سازی، جریان‌سازی، مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی کند تا بتواند معادلات جهان را بر هم زده و کشورش جمهوری اسلامی را به اوج شکوفایی برساند.

اگر امروزه برخی جوانان و نوجوانان عصر ما به سمت این نظام مقدس سنگ پرتاب می‌کنند، مقصرش ما دانشجویان هستیم که علم حق و حقیقت را بالا نگرفتیم و تاریخ کشور را نه برای خودمان و نه برای مردم کشورمان تبیین نکردیم.

قاسم سلیمانی‌ها، چمران‌ها، ابراهیم هادی‌ها و... یک روز همانند من و تو دانشجوی بودند و در مکتب اسلام و انقلاب، درس‌ها آموخته‌اند و پای درس اساتیدی چون حضرت امام (ره) نشستند. ما نیز به عنوان علمدار مبارزه با ظلم و استکبار، باید خودمان به دنبال تحقق عدالت و دستورات مقام معظم رهبری باشیم که به گفته‌ی حاج قاسم عزیز، حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است. حضرت آقا بارها گفتند جهاد تبیین؛ بارها گوشزد کردند نگذاریم دشمن فضای ناامیدی در جامعه ایجاد کند، بارها ذکر کردند نسبت به مسائل کشور منفعل نباشیم و به حق مطالبه‌گری کنیم و با حفظ اصول برای حل مشکلات کشور طرح بدهیم و دغدغه‌مند باشیم. به یاد داشته باشیم این کشور متعلق به همه‌ی ما مردم جامعه است؛ پس انتظار حل تمامی مشکلات توسط دولت، فقط یک عقب‌نشینی بزدلانه است. ما به عنوان دانشجوی تراز انقلاب باید به مسائل کشور ورود کرده و در پی حل مشکلات بر آییم که از گشودن گره‌های کوچک شروع می‌شود و به حل مسائل کلان می‌رسد.

اگر دست نجانبایم باید منتظر قربانی شدن شهدای دیگری باشیم برای بازگرداندن ظلم و جور به این کشور مقدس.

ای مؤذن جامعه! چه نشسته‌ای که نماز امت دارد قضا می‌شود...

هفت توصیه‌ی مهم رهبر به دانشجویان

رقیه شاکر دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهرا تهریز



توصیه‌ی اول: پرهیز از انفعال و ناامیدی

«شما باید کانون تزریق امید به بخش‌های دیگر باشید. بله، نابسامانی‌هایی در بخش‌های مختلف وجود دارد، اما این نابسامانی‌ها غیرقابل رفع است؟ ابدأً این‌ها قابل رفع است. مدیران خوبی هستند، وجود دارند، ان‌شاءالله می‌توانند، می‌کنند، کما این‌که تا حالا خیلی از کارها انجام گرفته. در خیلی از زمینه‌ها کارهای بزرگی انجام گرفته در دیگر زمینه‌ها هم می‌تواند انجام بگیرد.

توصیه‌ی دوم: اندیشه‌ورزی

«ببینید در دانشگاه دو چیز لازم است: علم و فکر. علم بدون فکر مشکل‌ساز می‌شود؛ علمی که بدون فکر باشد، راه را غلط می‌رود. بنشینید فکر کنید. شماها خوش‌استعدادید، خوش‌فکرید، می‌توانید فکر کنید؛ بنشینید فکر کنید».

توصیه‌ی سوم: با مسائل کشور تماس بگیرید.

«انسان (وقتی) مسائل کشور را از دور نگاه می‌کند، یک‌جور است (اما) وقتی تماس با مسائل پیدا می‌کند، یک‌جور دیگر است؛ گاهی تفاوت می‌کند. حالا مثلاً مسئله‌ی آب را یکی از دوستان مطرح کردند؛ خوب مسئله‌ی آب یک مسئله‌ای است که وقتی وارد بشوید، تماس پیدا کنید، جست‌وجو کنید و تحقیق کنید، به یک نتایجی می‌رسید».

توصیه‌ی چهارم: مطالبه‌گری کنید.

«مطالبه‌گری کنید و از مسئولان بخواهید که کار جدی بکنند. شما بر حذر بدارید مسئولان را از کارهای نمایشی. از آن‌ها بخواهید کارهای جدی و واقعی انجام بدهند. این یکی از مطالبات درست و به‌جای دانشجویان است که می‌توانند این را بخواهند».

توصیه‌ی پنجم: مراقبت کنید دشمن از مطالبه به حق شما

سوءاستفاده نکند.

توصیه‌ی ششم: دانشجویان و تشکلهای دانشجویی، فعالیت‌های

بین‌المللی داشته باشند.

توصیه‌ی هفتم: مسئولیت کنونی را پله‌ای برای مسئولیت‌های

بالا تر قرار ندهید.

«این‌جور نباشد که ما بگوییم حالا این یک سابقه برای ما درست می‌کند برای مسئولیت‌های بالاتر؛ نه، بچسبید به همین کار. برای خدا

کار کنید، متمرکز بشوید روی مسئله‌ای که به شما مربوط می‌شود. چه بخش اقتصاد، چه بخش سیاست، چه بخش فرهنگ؛ بخش‌های مختلف. متمرکز بشوید روی مسئله و دنبال حل آن مسئله‌ای باشید که به شما محول شده؛ این لازم است. توقع ما از جوان‌هایی که مسئولیت پیدا کردند، این است که هدفشان را حل مسئله قرار بدهید».



پژوهنده نور

زینب ابراهیمی دانشجوی کارشناسی آموزش هنر پردیس فاطمه الزهراي تبریز

از جغرافیای انقلاب، صدای شما را می‌شنوم که از اعماق سال‌های دور، متن درس شهامت را در خیابان‌های استکبارستیزی می‌نویسید. مگر نه این‌که معنای مردانگی در زبان نیست؛ در عمل است؟!

آن روزها قلم‌هایتان مشتهای گره‌کرده‌ای بود که آوازهای خونینش، مرکبی برای نوشتن کلمه‌ی رهایی و آزادی شده بود. از آن به بعد درهای دانشگاه هر روز با وزش یاد شما گشوده می‌شود تا استاد قدیمی عشق، کلاس را آغاز کند و کتاب‌های کمال، در متن خیابان‌ها معرفت را بیاموزند؛ آن‌جا که کتاب انقلاب، آخرین واحد فارغ‌التحصیل شدن‌تان از جهان بود. جای شما را در تقویم، سبز نوشتیم که روزتان مبارک باد!

روشنی‌بخش شب و ظلمت ما، دانشجوست
مایه فخر همه، شوکت ما، دانشجوست

نیست در خلقت انسان، هدفی غیر کمال
برساند به فلک رفعت ما، دانشجوست

مبر از یاد که در شانزده آذر ماه
آن‌که شد جلوه‌گر غیرت ما، دانشجوست

«اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ» تا روز وفات
از نبی نقل شده نعمت ما، دانشجوست

رهبری گفت: اساتید و دانشجویان،
آن‌که آباد کند ملت ما، دانشجوست

همچو خورشید که روشن بکند پهنه شب
رافع جهل و غم و غفلت ما، دانشجوست

پیرو علم و خرد باش «ظفر» می‌خواهی
بله، روی سخن و صحبت ما، دانشجوست



خبر آمد خبری در راه است

محدثه فرزانه دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز



رب بگو که کار جهان شد به کام ما
ساقی به نور باده برافروز جام ما
مرکز نیرد آن که دشمن زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

شست یلدا مبارک

نرم نرمک پاییز قدم‌های آخر خود را طی می‌کند و جایش را به ننه سرما می‌دهد. این وسط یلدا هم میزبان است؛ پاییز و زمستان.

یلدا خانوم از قبل، لباس قرمز رنگش را دوخته و با برگ درختان برای خود تاجی زیبا درست کرده است. خانه را تمیز کرده و سفره‌ای خوشگل از همه‌ی میوه‌هایی که می‌داند پاییز خانم و ننه سرما دوست دارند، روی میز چیده است.

یلدا خانم در گیرودار بدرقه‌ی پاییز است و در عین حال زمستان و دانه‌های برفش را تحویل می‌گیرد. ننه سرما هم به عنوان شیرینی، سرمای وجودش را برای یلدا خانوم هدیه آورده است. یلدا خانوم با لپ‌های گل‌گلی و لبان سرخ، با انار قرمز و هندوانه‌ی آبدار پذیرایی می‌کند. پاییز خانوم هم نهایت استفاده را می‌کند؛ چون می‌داند میان این بدرقه و مهمانی سال بعد یلدا خانوم، یک سالی فاصله هست. اما ننه سرما آسوده‌خاطر نشسته است. با هم گل می‌گویند و گل می‌شنوند. یلدا خانوم حافظ می‌خواند و مهمان‌ها عشق می‌کنند.

می‌دانی! انگار این مهمانی به آن‌ها خیلی خوش گذشته است. ساعت‌ها نمی‌گذرند و آن شب طولانی‌ترین شب سال می‌شود. صبح که می‌شود، پاییز خانوم بار و بندیش را بسته و رفته است. ننه سرما شادمان از دیدن یلدا خانوم با او وداع کرده و به سراغ بچه‌هایش می‌رود تا شهر را با سفیدی‌شان زیباتر از قبل کنند.

راستش، امسال یلدا خانم میزبان خیلی خوبی بوده است و برای سه ماه آخر سال، ارمغان‌های خوبی هدیه داده است. ارمغان او لبخند و خوبی است. با وجود مهمانی او، دیدارها تازه شده و محفل فصل‌ها گرم‌تر شده است. امسال، سال بهتری نسبت به قبل است؛ چرا که آغاز آن با مهربانی گره خورده است و چه خوب که یلدا آغازگر این مهربانی‌ست...

روز و روزگارتان خوش؛ یلدا تون مبارک.

هشتگ

سواد رسانه‌ای و اجرای آن

راضیه شاکر دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، پردیس فاطمه الزهرا تهریز



۳- پیام یا محتوا (چه سبک زندگی، ارزش‌ها، هنجارها و... در این پیام ارائه یا حذف شده است؟ می‌خواهد چه پیامی را برساند؟)

۴- رسانه و ابزار (در کدام رسانه تولید شده است؟ از چه قالب و فنونی استفاده شده است؟) به عنوان مثال کتاب نیز یکی از قالب‌های رسانه است.

۵- بستر (محتوا در چه زمانی، مکانی و در چه شرایطی از جامعه منتشر شده است؟) در این جزء از سواد رسانه باید توجه داشته باشیم که نوع پیام دریافت شده از محتوا در یک سال با سال دیگر متفاوت است. همان‌طور که مردم یک کشور، دریافت متفاوتی نسبت به مردمان دیگر کشورها از یک پیام تولید شده دارند. به عنوان مثال ممکن است تبلیغات‌های بسیار جذابی در کشورهای مختلف در حال پخش و اجرا باشد، اما همان فن تبلیغاتی در ایران نه تنها جذابیتی نداشته بلکه اثر معکوس داشته باشد.

این پنج‌گانه سواد رسانه‌ای، اولین گام برای خوب خواندن و نوشتن رسانه است. اما در ادامه لازم است با فرستنده‌ها و اخبار جعلی، خصوصیات گیرنده و مخاطب، رسانه‌شناسی، موقعیت‌شناسی و... نیز آشنایی کامل پیدا کنیم. در شماره‌های بعدی با ما همراه باشید.

مهم‌ترین درگیری در عصر حاضر، جنگ بر سر تفکر است. نبردی که در آن رسانه‌ها به عنوان سلاحی برای در اختیار گرفتن افکار، ایفای نقش می‌کنند. خاک‌ریزها دیگر مرزهای جغرافیایی نیستند، بلکه میدان جنگ به درون خانه‌ها و در اندیشه‌ها کشیده شده است. جنگ جهانی سوم، جنگی است که در آن به جای استفاده از ابزارآلات و تسلیحات نظامی از رسانه‌ها استفاده می‌شود.

این‌جاست که داشتن سواد رسانه در عصر حاضر، امری مهم و ضروری جلوه می‌کند. در گذشته باسواد کسی بود که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد، بتواند مطلبی را خوانده یا بنویسد. اما امروزه باسواد کسی است که بتواند رسانه را بخواند و درک و دریافت صحیحی از آن به دست آورد و در نهایت بتواند رسانه تولید کند. بنابراین سواد رسانه متشکل از خواندن و نوشتن است. در ابتدا باید بدانیم چگونه رسانه‌ها را مطالعه کنیم تا در نهایت بتوانیم خود، تولیدکننده‌ی رسانه‌ها باشیم. رسانه چیست؟

به آن دسته از وسایلی گفته می‌شود که فرهنگ و افکار را منتقل می‌کنند. رسانه می‌تواند کارکردهای تفریحی، خبری، سیاسی، فرهنگی، اطلاعاتی، نظرسنجی و نیازسنجی داشته باشد.

سواد رسانه‌ای عبارت است از قدرت تشخیص و تمییز رسانه‌های مختلف به منظور بهره‌وری مؤثر از آن‌ها و قدرت درک مفهوم پنهان شده در محتوای انتشار یافته. سواد رسانه‌ای به عنوان فیلتر عمل می‌کند تا جهان متراکم از پیام، از لایه‌های فیلتر رسانه‌ای عبور کرده و شکل مواجهه با پیام معنادار شود.

اساساً سواد رسانه ترکیبی از پنج سوال است:

۱- فرستنده (فرستاده کیست؟ منابع مالی آن از کجا تأمین می‌شود؟ به کدام نهاد‌های سیاسی، اجتماعی و... متصل است؟ چه اهداف آشکار و پنهانی دارد؟) مهم‌ترین بخش در تحلیل یک پیام، فرستنده‌ی آن است.

۲- گیرنده (مخاطب این پیام کیست؟ از چه قشری؟ با چه سنی و...)

دختری بلند قامت به نام یلدا

سارینا عزیزی دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، پردیس فاطمه الزهراى تبریز



چشم جهان، محو تماشاست
خزان، کوله بارش را بسته
تولد زمستان است
دختری بلند قامت به نام یلدا
به استقبال زمستان آمده
گیسوی بلندش،

برگ های پاییزی را جارو می زند
درب پاییز را
آرام پشت سرش می بندد
لبخند بر لب دارد؛
لبخندی از جنس انار
سبیدی در دست
پر از شادمانی و گرمای محبت
گرمای محبتی
که سرمای بدرقه ی پاییز را بی اعتبار می کند
یلدا خانم است دیگر!
مهمان قلب خشکیده جهانیان شده
و لباس زرد و خشکیده درختان را
با لباسی سپید از جنس برف
عوض می کند
بالاخره
بعد از کلی انتظار
در ایستگاه آخر پاییز
چهره نو رسیده ی زمستان
در قاب چشمان یلدا خانم، نقش می بندد.
زمستان!
زیبای سپید پوشی که با ابهتی از جنس سرما
دل جهانیان را مانند برف های سفیدش
از غم پاکیزه می گرداند.
و این است قصه ی فصلی سرد،
با آغازی سرشار از گرمای مهربانی
و این شعر هم با پیوند به گیسوی بلند یلدا،
بلند شد.



مراسم تودیع و معارفه مسئولین بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی با حضور مسئولین بسیج و دانشگاه فرهنگیان

مبین اسمعیل، دانشجوی آموزش ابتدایی
عرفان رضایی، دانشجوی آموزش شیمی

آقای تبریزی، بسیج دانشجویی فرهنگیان را گروهی یکپارچه دیده و فعالیت‌های چند ساله‌ی این عزیزان و افتخارات به دست آمده را یادآور شدند و از تلاش‌های آقای توکلی تشکر کرده و امید پیشرفت هرچه بهتر برای بسیج دانشجویی و کارهای آینده‌ی بسیج دانشجویی کردند.

علی محمد توکلی مسئول بسیج دانشجویی سابق دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی، ضمن بیان اهداف سه ساله‌ی خود و کارهای اجرایی گروه ایشان و تشکر از همراهان گرامی در این راه از مسئولان درخواست کردند که یاور بسیج دانشجویی باشند و قدردان دانشجویان مطالبه‌گر باشند و به بسیجیان نیز متذکر شدند که باید مطالبه‌گری در نهایت ادب و احترام به مسئولان باشد.

در پایان مراسم ضمن تشکر از آقای توکلی و آقای ظهیری (سرپرست موقت بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی) و سرکار خانم پوربخشی مسئول بسیج خاوران، آقای توحید تقوی راد به عنوان فرمانده بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان معرفی شد. توحید تقوی راد بعد از مراسم معارفه، کار بسیجیان را به نبرد در میدان جنگ تشبیه کرده و از همسنگران در این عرصه خواست تا وی را در این میدان نبرد به امید پیشرفت و آبادانی انقلاب یاری دهند.



مراسم تودیع و معارفه مسئولین بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی با حضور مدیریت امور پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی، مسئول بسیج دانشجویی سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان، مسئول ناحیه‌ی بسیج دانشجویی آذربایجان شرقی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی، سرپرست پردیس علامه امینی تبریز، مسئول بسیج فرهنگیان و عوامل دانشگاه در محل سالن شمس پردیس علامه امینی برگزار گردید.

در این مراسم ضمن تقدیر از زحمات آقای علی محمد توکلی، آقای توحید تقوی راد به عنوان مسئول حوزه‌ی شهید قاسم سلیمانی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی معرفی گردید.

در این مراسم دکتر عباسزاده ضمن خوشامدگویی به مهمانان، رتبه‌های کسب شده توسط بسیج دانشجویی را یادآور شده و همبستگی و تعامل بین اقشار مختلف بسیج (بسیج اساتید و بسیج دانشجویی) را مورد تأکید قرار داد.

دکتر احمدی ضمن خوشامدگویی به مهمانان حاضر در مراسم، به همبستگی بین ادوار بسیج با نیروهای تازه‌نفس اشاره کردند و بیان فرمودند: «بسیج و بسیجیان همچون لشکری بی‌ترمز هستند و باید دنباله‌رو عدالت و مطالبه‌گری باشند». همچنین ایشان متعهد به یآوری بیشتر بسیج دانشجویی در راهیابی به اهداف انقلاب اسلامی شدند.

حجت‌الله والمسلمین نقیان ضمن سلام و عرض ادب، خاطر نشان کردند که بسیجیان باید ضمن مطالبه‌گری جوانب احتیاط را رعایت کنند و مراقب افراد سودجو و کج‌فهمی‌هایی که در این زمینه می‌شوند، باشند.

دکتر صدیقی ضمن تشکر از جناب توکلی و خانم پوربخشی، مطالبی را تحت عنوان کار جهادی ایام کرونا در حوزه‌ی آموزش و پرورش بیان نمودند و به اهمیت استفاده از نیروی جوان در مسائل کشور تأکید کردند. در ادامه به بیان سخنانی از حضرت امام (ره) در باب مسئولیت‌های مسئولین و تکلیف شرعی آن‌ها پرداختند و گذری به سخن «مسئولان نباید در مقابل دانشجویان بایستند و نباید از آن‌ها غفلت کنند که اگر دچار این خطا شوند در آتش دوزخ الهی می‌سوزند». در ادامه به بررسی ضرورت ایده‌پردازی و مشارکت نسل جوان در امور کشور پرداختند.

پنجمین رویداد ملی محیا و حضور گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی در آن

محمد صالحی اول، دانشجوی آموزش شیمی

رویداد ملی و تخصصی محیا با هدف تبادل تجربیات گروه‌های دانشجویی فعال در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی و توانمندسازی ایشان جهت نقش‌آفرینی بهتر در این عرصه، با رویکرد یادگیری عملی طراحی گردیده و با دعوت از اساتید برجسته و فعال در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی و همچنین با حضور مسئولین سازمان‌ها و نهادهای فعال و گروه‌های دانشجویی فعال در مناطق حاشیه‌نشین برای پنجمین سال پیاپی به صورت حضوری در تاریخ ۲۲ الی ۲۴ آذر ماه ۱۴۰۲ به همت جمعیت دانشجویی امام حسن (ع) برگزار شد. این رویداد بزرگ‌ترین و با سابقه‌ترین رویداد ملی و تخصصی گروه‌های جهادی دانشجویی فعال در محلات حاشیه‌نشین سراسر کشور می‌باشد.

پنجمین رویداد ملی محیا با سخنرانی آقای هادی قاسمی مسئول سازمان بسیج دانشجویی کشور، کار خود را با قدرت آغاز کرد. در اختتامیه نیز آقای مجید بذرافکن معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آقای رضا غلامزاده مؤسس جمعیت امام حسن علیه السلام و معاون عملیات جهادی دانشجویی، آقای علی‌محمد قادری ریاست سازمان بهزیستی کشور، آقای صادق مفرد عضو حقیقی شورای عالی جهاد سازندگی، سید محمدجواد حسینی معاون مرکز مشارکت‌های مردمی و توسعه‌ی ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی سازمان بهزیستی، آقای امین شمسی عضو شورای شهر کرمان و دبیر اسبق جمعیت امام حسن علیه السلام در استان کرمان، آقای داود عمادی معاون اداره‌ی کل امور اجرایی قرارگاه حاج عبدالله والی کمیته‌ی امداد حضور داشتند.

هادی قاسمی مسئول سازمان

بسیج دانشجویی کشور:

ما طرفدار امیدیم؛ امید واقعی، نه اون امید واهی. مشکل رو می‌بینیم و می‌دونیم که می‌تونیم از پشش بریاییم، چرا؟ چون مشکل قبلارو حل کردیم...

رضا غلامزاده مؤسس جمعیت

امام حسن علیه السلام:

محله‌های حاشیه‌نشین و افرادی که در آن زندگی می‌کنند، فرصت هستند نه نقطه‌ی تهدید؛ ما هنرمان این است که این موضوع را به خودشان و جامعه نشان بدهیم.

رضا غلامزاده مؤسس جمعیت امام

حسن علیه السلام در پنجمین رویداد ملی محیا: «اولین گروهی که در دهه ۹۰ وارد محلات حاشیه‌نشین شدند و این بیرق را به دست گرفتند که باید برویم در حاشیه‌ی شهر شروع کنیم به کار کردن، دانشجویها بودند».

محمد آئینی معاون وزارت راه و شهرسازی

و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری:

«گروه‌های جهادی دانشجویی در راستای اقدامات عمرانی در مناطق حاشیه‌نشین، تلاش و اقدامات ارزشمندی انجام می‌دهند و سقف‌های لرزان در بافت‌های حاشیه‌نشین و فرسوده باید با کمک گروه‌های جهادی دانشجویی متخصص برچیده شوند».

طی بررسی و مصاحبه‌های تخصصی از بین داوطلبان حضور در پنجمین رویداد ملی محیا، گروه‌های برتر جهادی دانشجویی فعال سراسر کشور انتخاب و در رویداد شرکت کرده بودند. گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی نیز به عنوان برترین گروه جهادی دانشجویی استان در اجرای پویش لب‌خند ایران انتخاب شده و در این رویداد شرکت کرده بود.



جلسه‌ی دوم کارگاه طرح درس نویسی تخصصی

سارا بنیادی دانشجوی کارشناسی امور تربیتی، پردیس فاطمه الزهرا تبریز



به همت معاونت علمی و فناوری بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) کارگاه طرح درس تخصصی برگزار شد:

جلسه‌ی دوم کارگاه طرح درس نویسی تخصصی رشته‌ی آموزش ابتدایی در روز دوشنبه ۲۷ آذر، ساعت ۱۰ تا ۱۲ در سالن اجتماعات شهید آوینی پردیس فاطمه الزهرا (س) با شرکت ۱۰۰ نفر از دانشجومعلمان رشته‌ی آموزش ابتدایی با سخنرانی دکتر حسن احمدی برگزار گردید. ایشان در این جلسه در ابتدا توضیحاتی در مورد نیاز معلمان به طرح درس پرداختند. این‌که طراحی آموزشی فرایندی پویاست که در آن به تعیین اهداف کلی، اهداف جزئی، اهداف رفتاری، تحلیل آموزشی، تعیین محتوا، روش و وسیله‌ی آموزشی و تحلیل می‌پردازیم. از فواید طرح درس به توجه به توالی درست و مناسب، توجه به مسائل و فعالیت‌های اساسی، تفکر و صرف وقت در گزینش موارد و تنظیم طرح درس اشاره کردند. همچنین به جنبه‌های عاطفی، شناختی و روانی-حرکتی اهداف رفتاری پرداختند و موارد ذکر شده را به صورت مثال‌هایی ارائه و نشان دادند. در پایان جلسه به سؤالات دانشجویان به‌طور کامل پاسخ دادند. پس از پایان جلسه، فایل صوتی و مطالب ارائه شده در اختیار دانشجویان قرار گرفت.





فعالیت های بسیج دانشجویی فرهنگیان تبریز در آذر ۱۴۰۲

کارگاه روایت فلسطین

۱ آذر در پردیس فاطمه الزهرا و ۲ آذر در پردیس علامه امینی

چهارمین هفته اجرای پویش لبخند ایران در محله زورآباد
مارالان توسط گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی

۲ و ۳ آذر

دوره مجازی توانمندسازی سفیران مقاومت

۴، ۵ و ۷ آذر

ویژه برنامه گرامیداشت هفته بسیج در سالن شهید آوینی
پردیس فاطمه الزهرا

۶ آذر

مراسم تودیع و معارفه مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه
فرهنگیان آذربایجان شرقی

۷ آذر

دیدار با خانواده محترم شهید دانشجومعلم ابراهیم
جباری صاحببازی در شهرستان مرند توسط جمعی از
دانشجومعلمان پردیس فاطمه الزهرا (س) تبریز

۹ آذر

پنجمین هفته اجرای پویش لبخند ایران در محله زورآباد
مارالان توسط گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی

۹ و ۱۰ آذر

برگزاری اردوی تشکیلاتی مشکات در قم برای خواهران

۱۵، ۱۶ و ۱۷ آذر

ششمین هفته اجرای پویش لبخند ایران در محله زورآباد
مارالان توسط گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی

۱۶ و ۱۷ آذر

مراسم عزاداری ایام فاطمیه و شبی با شهید گمنام
در نمازخانه پردیس علامه امینی تبریز

۲۰ آذر

شرکت گروه جهادی شهید غنیمت اکرمی در پنجمین رویداد ملی محیا

۲۲، ۲۳ و ۲۴ آذرماه

۱. مراسم عزاداری ایام فاطمیه و سالگرد تدفین
شهید گمنام در نمازخانه پردیس علامه امینی

۲. مراسم عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)
و در نمازخانه سرای باهنر پردیس فاطمه الزهرا (س)

۳. جلسه دوم کارگاه طرح درس نویسی تخصصی در
سالن شهید آوینی پردیس فاطمه الزهرا

۲۷ آذر

۱. مسابقه عکاسی شب یلدا با یاد شهدا
۲. مراسم شب یلدا در راستای طرح پویش لبخند ایران در
محله ارم توسط گروه جهادی شهید سلیمانی

۳۰ آذر

عرض تسلیت به مناسبت فرارسیدن شهادت دخت نبی اکرم (ص) بردوستان آن بانو



کلیه حقوق اعم از محتوا و قالب طرح محفوظ بوده و متعلق به بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی می باشد



جهت اطلاع از برنامه های
ماهنامه قلم به کانال ما در
پیامرسان بله پیوندید.